

## زن، عرفان و سیاست

اسماعیل منصوری لاریجانی

فصلنامه بانوان شیعه، ش ۳، بهار ۸۴



**چکیده:** در این مقاله، زن از سه بُعد تاریخی، فقهی و عرفانی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در این سه عرصه، اسلام به زن عزت و هویت بخشیده است. با بررسی شخصیت زنان نامدار در قرآن کریم، روشن می‌شود که زن با حضور مؤمنانه و عارفانه می‌تواند منشأ اثر و تعالی جامعه باشد. در دوران انقلاب اسلامی، زنان با حفظ شئون اخلاقی و طهارت نفس، در همه عرصه‌ها، به ویژه، دفاع مقدس، تأثیرگذار بودند. این دلیل روشنی است بر آنکه، زن با هویت عرفانی و حضور مؤمنانه، نه تنها خود را حفظ می‌کند، بلکه سلامت و کمال اخلاقی جامعه را نیز تضمین می‌نماید.

می‌توان هویت زن، را در سه ساحت متفاوت مطالعه کرد: ۱. هویت تاریخی؛ ۲. هویت حقوقی و فقهی؛ ۳. هویت عرفانی.

با مطالعه و بررسی این سه هویت، درمی‌یابیم که، وجه غالب در وجود زن، «وجه عرفانی» است، و زنانی که در تاریخ بشریت درخشیده‌اند، غالباً خصایص عرفانی و اخلاقی داشته‌اند.

### ۱. هویت تاریخی

زن در ادوار گوناگون تاریخ، فرود و فرازهای بسیاری را پشت سر گذاشته است. در دوران توخس و بربریت، ارزش زن، در ردیف حیوانات و اثاثیه منزل بود و غالباً زن را آفریده شیطان می‌دانستند.

در جوامع اروپایی، زن به عنوان یک انسان شناخته شد، اما همچنان از مزایای اجتماعی

محروم بود.

پس از انقلاب صنعتی و توسعه کارخانه‌ها، نیروی زن را برای تأمین کمبودها بسیار عظیم یافتند.

نظام سرمایه‌داری، برای داغ‌تر کردن بازار تولید و مصرف، تصمیم گرفت، همه قوا و امکانات جهان را به استخدام خود درآورد و در این زمینه، مسئله «جنسیت» را، که نیروی نهفته و غریزی در انسان است، از هر سلاحی برنده‌تر دانست. به همین دلیل، بدون هیچ وقفه‌ای، فرهنگ «برهنگی» را ترویج کرد و اخلاق و هنر و عشق و زیبایی را، که ترجمان ذاتی وجود زن هستند، تماماً در خدمت تمایلات مادی دنیاپرستان حریص قرار داد.

به لحاظ هویت تاریخی، تنها مکتبی که به زن شخصیت داده و برای او ارزش و اعتبار اجتماعی قائل شده، اسلام است.

## ۲. هویت فقهی و حقوقی

هویت حقوقی زن را، می‌توان با استناد به سیره حضرت زهرا علیها السلام محکم و متقن بیان کرد.

الف. حق حیات طبیعی

در عصر توحش و بربریت، قریب ۹۰ درصد افراد قبایل و طایفه‌ها برای زن حق حیات قائل نبودند.

ب. حق تعلیم و تعلم

ج. حق ازدواج و انتخاب همسر

زن در انتخاب همسر آزاد است. البته برای دختران، جلب رضایت پدر ضروری است.

د. حق نگه‌داری و تربیت کودک

ه. حق خویش در نظام خانواده

و. حق دادخواهی

زن در هر زمینه‌ای که به او ظلم شود، حق دادخواهی دارد.

ز. حق انفاق

ح. حق عبادت و بندگی

ط. حق زینت و آرایش

ی. حق حجاب و پوشش اسلامی

## ۳. هویت عرفانی

زن با هویت عرفانی در قرآن کریم، ساحتی گسترده دارد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

الف. زن؛ مظهر جمال الاهی

جناب محی‌الدین بن عربی (پدر عرفان اسلامی)، سرّ محبوب بودن زن را چنین تبیین می‌کند: «چون ذات اقدس اله منزّه از آن است که بدون تجلی و مظهر مشاهده شود و هر مظهري که بیشتر جامع اسماء و اوصاف الاهی باشد، بهتر خدا را نشان می‌دهد، زن در مظهریت خدا کامل‌تر از مرد است؛ زیرا مرد فقط مظهر قبول و انفعال است؛ چون مخلوق حق است و زن گذشته از آنکه مظهر قبول و انفعال الاهی است، مظهر فعل و تأثیر الاهی نیز هست؛ چون در مرد تصرف می‌کند و آن را مجذوب خویش قرار داده و محبّ خود می‌سازد و این تصرف و تأثیر، نموداری از فاعلیت خداست. از این جهت، زن کامل‌تر از مرد است. اگر مرد بخواهد، خدا را در مظهریت خود مشاهده کند، شهود او کامل نیست، ولی اگر بخواهد، خدا را در مظهریت زن بنگرد، شهود او به کمال و تمام می‌رسد.

لذا، زن محبوب پیامبر اکرم ﷺ قرار گرفته و در حدیث معروف فرمود: «از دنیای شما زن و بوی خوش، محبوب من قرار داده شد و نور چشم من در نماز است». البته منظور از «محبّت» در این بحث، حب الاهی است و نه شهوت حیوانی».

ب. زن؛ مظهر آرامش

هر چند زن و مرد در پیشگاه خدا مساویند، اما زن با دو صفت ممتاز و مشخص شده است: اول آنکه نوع انسانی به وسیله زن تکوین یافته و نشو و نما می‌نماید و بقا و امنیت جامعه به وجود زن بستگی دارد. دوم آنکه وجود زن، مبتنی بر لطافت و حساسیت است و این امر در احوال و وظایف زن و مرد تأثیر می‌گذارد. نقش زن از آن جهت مورد لحاظ است که وظیفه مهم مادری و تربیت بر عهده اوست و از این رو، تجسمی از عطف و رحمت است.

ج. زن؛ مظهر عشق و محبت

زن، مظهر جاذبه محبت الاهی در جهان هستی است که (يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ)<sup>۱</sup>

گرچه وصالش نه به کوشش دهند هر قدر ای دل که توانی بکوش.<sup>۲</sup>

د. زن؛ مظهر رحمت الاهی

خداوند متعال به اسم «مصور» رحمت را در نهای زن پنهان کرده است؛ چنان‌که می‌فرماید:

(يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ)<sup>۳</sup>

بدین سان، خداوند متعال، بنیان مرصوص خلقت فرزندان را در رحم زن نهاده و انبساط اسم «رحمان» و «رحیم» را در نشئه طبیعت زن جاری ساخته است تا فرزندانی که از او به دنیا می آیند و در دامن او تربیت می شوند، از شریعه رحمت و عاطفه و محبت سیراب گردند. افسوس که اغلب زنان ما متوجه این سرمایه عظیم خدادادی نیستند!

### زن و سیاست

نمونه‌هایی از زنان که در زمان خودشان با سیاست کاری داشته‌اند عبارتند از:

۱. آسیه، همسر فرعون؛ مظهر ایمان؛
۲. حضرت مریم، مادر عیسی علیه السلام، مظهر طهارت و پاک‌دامنی؛
۳. بلقیس، ملکه سبا، مظهر تسلیم.

بلقیس دختر شرجبیل، از دودمان پادشاهان کشور سبا بود. وقتی ملکه سبا به آیین یکتاپرستی درآمد، تمام افراد ملت او هم دست از پرستش خورشید برداشتند و آیین حضرت سلیمان علیه السلام را پذیرفتند.

### نتیجه

حاصل این بحث در سه ساحت هویت تاریخی، حقوقی و فقهی، و عرفانی این شد که در هر سه حوزه، نگرش مکتب اسلام به زن، نگرشی واقع‌بینانه همراه با شناسایی و حفظ کرامت ذاتی زن است. اسلام، هویت اصیل و مرکزی را به هویت عرفانی زن می‌دهد و زن با احراز اوصاف و ملکات عرفانی، قادر خواهد بود که از حقوق طبیعی و قانونی خود بهره‌مند شود. رویکرد قرآن کریم به زنان شایسته و نامدار، کاملاً عرفانی است. ایمان آسیه، توبه حوا، طهارت حضرت مریم علیها السلام، صبر رحیمه، تسلیم بلقیس و در نهایت، تجلی اوصاف انسان کامل در وجود مبارک حضرت زهرا علیها السلام، همه از مقامات و حالات عرفانی حکایت دارند؛ یعنی حضور شایسته و بایسته زن در مشارکت‌های اجتماعی، سیاسی جای انکار ندارد، بلکه لازم و ضروری نیز هست تا جامعه از سلامت و شادابی و تحوّل مثبت به سوی کمال و سعادت برخوردار گردد.

بازتاب اندیشه ۶۸

۳۳

زن، عرفان  
و سیاست

### ● اشاره

این نوشتار که مناسب بود مستند بر منابع و مدارک معتبر تنظیم می‌گردید، دچار کاستی‌ها و تأملات متعددی است:

۱. اینکه می‌خوانیم: «در دوران توحش و بربریت، ارزش زن در ردیف حیوانات و اثاثیه

منزل بود و صرفاً برای اطفای شهوات و انجام کارهای پست و بی‌ارزش از او بهره می‌بردند و در مقابل، او از کم‌ترین حقوق اجتماعی و مزایای انسانی محروم بود.»  
 این بستر، اگر چه از لحاظ تاریخی در خصوص عربستان، عام و شامل نبوده است، اما بر فرض قبول چنین تصویری از جایگاه زنان در گذشته، فقط و فقط منحصر به جزیره العرب و سرزمین عربستانِ دورهٔ جاهلی است و به دلایل روشن تاریخی نمی‌توان بدین شکل بر همه سرزمین‌ها، قبایل و جوامع کهن تعمیم داد. بارزترین و گویاترین گواه بر این مطلب وجود ملکه‌ها و پادشاهان زن در ممالک و مناطق مختلف در دوره‌های قبل و مقارن با ظهور اسلام است. مثلاً ملکهٔ سبا زنی فرزانه، مدیر، و دانشمند بود. همچنین زنان تاجر پیشه که در زمان ظهور اسلام در عربستان، در مناطق گوناگون، با ثروت‌های کلان خود عرصه‌های اقتصادی اقوام و قبایل را رونق بخشیده بودند؛ به طوری که این روند با حضور زن پراقتداری نظیر حضرت خدیجه، تا زمان و محیط اجتماعی پیامبر در جریان بود. این در حالی است که نویسنده ادعا دارد که زن در گذشته شخصیتی ابزاری و حقیر داشت!!!

از طرفی، اعراب جاهلی تنها افتخار و سرافرازی را در شعر و زبان‌آوری می‌دیدند، و زنان در این عرصه بر اساس مستندات فراوان تاریخی پا به پای مردان و گاهی جلوتر از آنان پیش می‌رفتند. و بسا در مواردی زنان، گوی سبقت افتخار را در مسابقات شعر بازار مردان می‌ربودند. بدیهی است چنین مواردی (پادشاهی و تجارت زن، فخر ادبی، و...)، بدون وجود بستری آزاد و انسانی در جوامع پدید نمی‌آید.

۲. نویسنده، فلسفه‌ای برای زنده به گور کردن دختران ذکر کرده که نه تنها واقعیت تاریخی ندارد. با این توضیح که مردم دوره جاهلی، به خاطر عقیده بر آفرینش شیطانی و اغواگرانه زنان، دختران تازه به دنیا آمده را زنده به گور نمی‌کردند تا از شر شیطانی آنان در امان باشند، بلکه بنا به تصریح قرآن و تاریخ صدر اسلام، مردم عربستان به سبب جایگاه اجتماعی بسیار سودآور پسران و مردان، با تولد یافتن فرزندان دختر، در رنج و عذاب بودند. به طوری که در قرآن بر این واقعیت تصریح کرده و چنین فرموده است: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِنْمَائِكُمْ وَرِزْقِكُمْ وَ إِنَّمَا هِيَ كَلْبَتٌ لِّسُنْئِكُمْ وَ أَنْتُمْ رَافِعُونَ»<sup>۱</sup>، «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَسْبَةَ إِنْمَائِكُمْ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَ إِنَّمَا هِيَ كَلْبَتٌ لِّسُنْئِكُمْ»<sup>۲</sup>.

علاوه، کشتن دختران، آن هم به روش بی‌رحمانهٔ زنده به گور کردن، ویژه دوره جاهلی عربستان بود، نه تمام مناطق جغرافیایی گذشته و اینکه نویسنده، این مسئله و واقعیت تاریخی را از عربستان و منطقه حجاز به همه سرزمین‌های آن زمان (قبل و بعد از ظهور اسلام) تعمیم داده، بی‌دلیل و باطل است و هیچ پشتوانه مستند تاریخی ندارد.

۲. تلقی انسانی از زن در اروپا: تناقض در دو عبارت نویسنده

(الف) در جوامع اروپایی، زن به عنوان انسان شناخته شد.

(ب) همچون حیوان از او بار می‌کشند... و هر ساعتی به دامن کسی بغلتد و به زشت‌ترین اعمال حیوانی تن در دهد. روشن نیست از دیدگاه نویسنده محترم، زن در جوامع اروپایی منزلتی اجتماعی داشته است یا چون حیوان به کار گرفته می‌شد.

(ج) تحلیل ایشان از جریان تعامل زن و انقلاب صنعتی، نادرست و پندار شخصی است. زیرا وارد شدن زن در چرخه اجتماعی صنعتگری در آن دوره، تحت شرایط و عوامل ویژه‌ای صورت پذیرفته بود که با دقت در آن نمی‌توان، نتایج برگرفته نویسنده را مورد تأیید قرار داد. به چند مورد از این عوامل اشاره می‌شود:

(۱) شرایط بد و بحرانی اقتصاد، باعث شد تا زنان و حتی کودکان نیز برای تأمین نواقص مالی و معیشتی زندگی به کار پردازند.

(۲) بحران به قدری شدید بود که این قشر تازه برای کارگری (زنان و کودکان) حاضر بودند با کم‌ترین دست‌مزد به کار گرفته شوند.

(۳) اساس حرکت کارگری قشر مزبور در اولین حرکت به طور مصلحت‌اندیشی، داوطلبانه و خودمختار بود و تنها در موارد اندکی، زنان یا کودکان مورد اجبار قرار می‌گرفتند.

(۴) در همان دوره، وضعیت کارگری در تمام ساختار صنعتی پدید آمده، بر تمام اقشار (زن و مرد و کودک) یکسان بود. و هر کدام به اختیار خود و برای رهایی از بحران اقتصادی خانواده خویش، به سخت‌ترین و مشقت‌بارترین کارها تن می‌دادند. و کسی زن و یا مرد را به خصوص تحت فشار و اجبار به کار و نمی‌داشت.

(۵) فضای اقتصادی به گونه‌ای ضعیف بود که زنان حتی با کم‌ترین دست‌مزد به کار راضی بودند. از این جهت، کم‌کم زنان جای مردان را حتی در سخت‌ترین شرایط کاری در کارخانجات می‌گرفتند. و این مسئله به اجبار زنان از سوی مردان جامعه ربطی نداشت. البته رفته رفته زنان جامعه، به نوعی ابزار کارگری برای صاحبان کارخانه‌ها در آمدند تا سرمایه‌های خود را افزایش دهند. و چندین ویژگی دیگر که با مطالعه تاریخ روشن می‌شود.

با توجه به این مقدمه، سؤال این است که آیا حضور زن در چنین فضای بحرانی در جهت رفع بحران از خانواده و جامعه، به معنی این است که «در آن زمان، زنان هویت اصلی خویش را از دست داده و تبدیل به حیوان شدند؟»

۴. بسیار مناسب بود که نویسنده به جای بیان حق حیات طبیعی و... به شبهاتی اشاره می‌کرد که از سوی مهاجمان فرهنگی به اسلام و کشور عزیزمان ایران اسلامی، به بهانه دفاع از حقوق زن، مطرح شده و شبهاتی را که مدعیان نقض حقوق زنان در ایران و اسلام

در مجامع علمی و نشریات زنجیره‌ای غرب‌زدگان مطرح کرده‌اند، پاسخ می‌گفت. اشاره به مسائل مختص به زن در حقوق اسلامی، نظیر حقوق مالی زن (مثل تعیین مهریه، دست‌مزد، شیردادن به فرزند، وجوب پرداخت نفقه بر اساس عرف معمول هر زنی به او)؛ ارث برای دختران و مقایسه آن در اسلام و مسیحیت و یهود؛ تصرفات مالی مستقل و مقایسه آن با حقوق کشورهای غربی مثل فرانسه (که در حقوق آن، دارایی زن پس از ازدواج در تصرف شوهر او قرار می‌گیرد)؛ و مواردی مثل ازدواج موقت که منحصر به دین اسلام است و زن فارغ از مسائل و تکالیف متعدد مربوط به ازدواج دائم می‌تواند، روابط جنسی متعدد و متنوع (با رعایت شرایط ویژه آن) و بدون فرزند را تجربه کند. و اسلام به تمام جوانب حقوقی زن حدود منحصر به فردی معین کرده که کم‌ترین حقی از زن دریغ نمی‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی